

نقاط قوت تظاهرات حمایتی تبریز از خوزستان



شهاب برهان

تظاهرات دوم مرداد ۱۴۰۰ تبریز برای پشتیبانی از اعتراضات مردم خوزستان، چند نقطه قوت استراتژیک داشت که اهمیت آن ها شاید در پشت جنبه ی نمادین این حرکت به چشم نیاید:

این حرکت اگرچه چندی پس از تظاهرات حمایتی بسیاری دیگر از نقاط ایران صورت گرفت، اما سرانجام صورت گرفت و همین حادثه ای بسیار مهم است. اهمیت حرکت حمایتی آذربایجانی ها از اعتراضات خوزستانی ها علاوه بر ارزش و اهمیت اش برای جنبش خوزستان، برای خود جنبش ملی آذربایجان هم دارای اهمیت بسیار بود، از جمله در شکستن لاک " هرکس نجات خانه خودش؛" غلبه ی (امیدوارم پایدار) بر خط مشی ئی که حضور ضعیف (اگر نگوییم غیاب) مردم آذربایجان در جنبش های سراسری سال های اخیر و یا حمایت از جنبش های موردی و منطقه ای مردمان همسرنوشت با خود و بسنده کردن به " فوتبال تراکتور" و " قلعه بابک" و " دریاچه ارومیه" و غارت منابع طبیعی آذربایجان به دست مرکز را اینگونه توجیه می کرد که : "دیگران برای ما چه کرده اند که حالا ما بخاطر آن ها بها بپردازیم؟ ما سرمان فقط باید به کار خودمان باشد!" این خط مشی، حاصلی جز منزوی کردن جنبش ملی و حق طلبانه آذربایجان، و به پس قافله راندن آن در مبارزات سراسری برای سرنگونی جمهوری اسلامی نمی تواند داشته باشد.

آذربایجان چه بخواهد و چه نه، پارچه ای ارگانیک، عضوی از پیکر چند ملیتی ایران و تحت حاکمیت یک نظام سیاسی فاشیستی و سلطه استعماری یک مرکز است. تصور حل مسائل ایران بدون مشارکت آذربایجان و حل مسائل آذربایجان بدون مشارکت آن در مسائل ایران، یک توهم و یک خطای بزرگ کاربردی است.

تا جایی که اطلاع دارم، فراخوان به این تظاهرات، با همنوائی، توافق و همکاری همه تشکیلات های ملی آذربایجان صورت گرفته است، چیزی که هم به دلیل تشتت های موجود در میان شان امری ناشدنی می نمود و هم بخصوص با توجه به این که موضوع فراخوان بیرون از مطالبات اخص خود آذربایجانی ها بود. اگر

تجربه شیرین این همدستی و همداستانی، همچون آجری برای عبور از باتلاق توطئه های تفرقه افکنانه رژیم و فرقه گرائی های سخیف درونی در جنبش ملی آذربایجان و چیدن آجرهای بعدی برای گام های بعدی مورد عنایت قرار بگیرد، می شود آن را یک دستاورد مهم و کارساز در حرکت ملی آذربایجان ارزیابی کرد. چنین باد!

شعارهای این تظاهرات بار کیفی سیاسی- اخلاقی بسیار درخشانی داشتند: « آذربایجان، خوزستان، اتحاد! اتحاد! ». همبستگی، اتحاد و پشتیبانی یک نیاز حیاتی و استراتژیک در عرصه مبارزات بطور کلی، و بویژه در مبارزات چند وجهی و چند لایه جنبش های متعدد و درهم تنیده سیاسی، طبقاتی، اثنیکی، جنسی، زیست محیطی در ایران است. آذربایجان به نوبه خود، ندای این اتحاد را سر داد، نه بر روی کاغذ و تومار امضا کردن های کنار فنجان قهوه و پشت مونیتر کامپیوتر، بلکه در خیابان و سینه در سینه نیروهای سرکوب. شعار « آذربایجان الاحواز، اتحاد! اتحاد! » نکته بس مهم دیگری در این تظاهرات بود که حساب حمایت خود را از حمایت های نمایشی پان ایرانیست ها جدا کرد.

شعار « آذربایجان، عرب، فارس، اتحاد! اتحاد! » درخشانترین شعار این تظاهرات بود. این شعار مبتنی بر همبستگی و اتحاد، از یکسو جلو عرب ستیزی پان فارس ها و پان ایرانیست های نژادپرست در آمد و بر هویت اثنیکی اعراب تاکید گذاشت، و همزمان، با آوردن فارس به حلقه اتحاد، مرز خود را با پان تورکیسم ضد فارس رسم کرد و نشان داد که مخالفت و مبارزه اش با پان فارسیسم و سلطه گری و ستمگری پان ایرانیستی فارس محور، بهیچوجه دشمنی با مردمان فارس و فارسی گو نیست که اکثریت همین مردمان فارس نیز تحت ستم استبدادی و طبقاتی صاحب امتیازان و صاحب قدرتان فارس (و غیر فارس) قرار دارند و تنها در اتحاد میان خودشان است که خواهند توانست پیکاری مؤثر و نیرومند را به پیش ببرند. این شعار، جهشی مترقی و جبرانی ضروری بر شعار تاسف آور تظاهرات ۱۰ مهر ۱۳۹۹ تبریز بود که کورد و فارس و ارمنی را دشمن آذربایجان قلمداد می کرد.

امواج توفنده شعار « بی شرف! بی شرف! » خطاب به نیروهای سرکوب در برابر شعار برخی تظاهرات کنندگان: « نیروی انتظامی، حمایت! حمایت! » نشان بارزی از رشد جسارت و ریختن ترس، و تشخیص نیروی دشمن از نیروی دوست در موقعیتی است که هنوز نیروهای رژیم وارد فاز ریزش و هزیمت نشده اند تا بشود روی تزلزل شان و به پیوستن بخشی از آنان به مردم حساب کرد.

در انتها، ولی نه کم اهمیت تر از نکات پیشگفته، حضور محسوس زنان در این حرکت بود. بسیار بیش از آنچه که در ویدئو ها به چشم می آید، صدای نیرومند زن ها در شعارها گویای حضور پرشمار آنان نه بعنوان تماشاگران پیاده روها بلکه بعنوان فعالان میدانی است و این خود باز یک جهش کیفی و حیاتی به

پیش است.

کسی توقع ندارد که این تظاهرات همچنان بی وقفه ادامه پیدا کند. اما مردم تبریز و فعالان جنبش ملی آذربایجان در این خیز، میله پرش را یک درجه کیفی بالاتر از همیشه قرار دادند و با موفقیت از آن پریدند. جای تبریک و احساس غرور دارد.

شهاب برهان

سوم مرداد ۱۴۰۰ - ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱